

برده شبیشه‌ای

نگاهی به سریال «سرباز»

دنیای درون

● **فرهاد خالدي**‌نیک: تماشای سریال‌های مناسبتي در شب‌های مبارک رمضان، به عادت دیرینه بسیاری از مخاطبان جدی تلویزیون تبدیل شده است؛ مخاطبانی که سطح توقعشان از شبکه‌های مختلف سیما با توجه به سابقه ذهنی از کیفیت سریال‌های به‌نمایش‌درآمده در رمضان‌های گذشته، فرق می‌کند؛ برای مثال، توقع و انتظاری که مخاطب تلویزیونی از سریال مناسبتي شبکه سوم سیما دارد با انتظاری که همین مخاطب از سریال شبکه دوم سیما دارد، قطعاً متفاوت است. مخاطبی که به‌نوعی عادت کرده سریال‌هایی با ریتمی نسبتاً تند و قصه‌هایی غالباً پرکشش را ازطریق شبکه سه به تماشا بنشیند، ممکن است چنین توقعی را از سریال‌های رمضانی شبکه‌های دیگر سیما نداشته باشد. شاید به همین دلیل است که به نظر می‌رسد «سرباز» در شب‌های نخست پخش، نتوانست آن‌چنان که انتظار می‌رفت توقع دنبال‌کنندگان سریال‌های شبکه سوم سیما را برآورده کند؛ سریالی که



بسیاری آن را فاقد قصه‌ای جذاب و درگیرکننده و دارای ریتمی کند و خسته‌کننده قلمداد می‌کنند و شاید خیلی زود تصمیم گرفتند، قید تماشای آن را بزنند.

با وجود این، برای تحلیل سریال «سرباز» بد نیست به کارنامه سینمایی هادی مقدم‌دوست، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان اثر، نگاهی بیندازیم. کارگردانی که به‌عنوان نویسنده فیلم‌نامه، تجربیات موفقش در کنار حمید نعمت‌الله به دست آورده و با ساخت «سربه‌مهر» و اپیزودی از فیلم سینمایی «میهایت» نشان داد که در زمینه کارگردانی نیز می‌تواند حرف‌های بسیاری برای گفتن داشته باشد. از این‌رو «سرباز» را می‌توان در امتداد ساخته‌های قبلی مقدم‌دوست و میل و علاقه‌وافر او به نمایش ذهنیات و درونیات شخصیت‌های آثارش دانست. اتفاقی که در «سربه‌مهر» در شخصیت‌پردازی صبا (با بازی لیلا حاتمی) رخ داده و فیلم سعی می‌کرد با نمایش نشانه‌ها و رگه‌هایی از ترس‌ها، تلاش‌ها و دغدغه‌های این شخصیت، قصه نه‌چندان پریچ‌وخمش را به‌شکل دلپذیری برای مخاطب روایت کند، در اینجا در بستر داستان سریال گسترده شده و شخصیت‌های متعدد آن را در میان چالش‌های ذهنی خویش در مسیر انتحاب‌های سهل یا دشوار زندگی، درگیر می‌کند.

خط اصلی قصه در آغاز سریال روی دو شخصیت پچی (آرش مجیدی) و یلدا (الیکا عبدالرزاقی) متمرکز شده و نحوه آشنایی، مواجهه و تعامل آنها با یکدیگر و خانواده‌هایشان، حوادث هر قسمت را رقم می‌زند؛ حوادثی که اگرچه چندان تکان‌دهنده و پرتعلیق به نظر نمی‌رسند و قرار نیست زمینه میخکوب‌شدن تماشاگر را فراهم کنند، اما اندکی تأمل و تعمق در آنها و همراه‌شدن با تصمیمات درست یا غلطی که شخصیت‌های سریال اتخاذ می‌کنند، می‌تواند دنیایی کم‌وبیش واقعی و فارغ از رنگ و لعاب‌های جعلی را درنظر مخاطب عینیت بخشد؛ برای نمونه نگاه کنید به شخصیت یلدا که با اینکه در لحظاتی رویکردش در برخورد با پچی و خانواده‌اش گستاخانه و سؤال‌برانگیز می‌نماید، ولی اندکی تلاش برای نزدیک‌شدن به این شخصیت و پی‌بردن به دغدغه‌های خاص او می‌تواند زمینه همراهی مخاطب با یلدا را فراهم کند. مقدم‌دوست اما به‌منظور فراهم‌شدن هر چه بیشتر زمینه‌های این همراهی، استفاده فراوان از نریشن (گفتار متن) را در دستور کار قرار داده که در جای‌جای سریال به سدد تصاویر آمده تا درونیات شخصیت‌ها را بیش‌ازپیش آشکار کنند. نریشن‌هایی با صدای خاص استاد ناصر طهماسب که گاهی اقتدر از تصاویر جلو می‌زند که سایه‌شان به‌شدت بر کلیت اثر سنگینی کرده و در پاره‌ای لحظات، نمایش‌های رادیویی را در ذهن متبادر می‌کنند. با این حال، شاید اگر به جای راوی، شخصیت‌های سریال خود در مقام روایت نریشن‌ها برآمده و البته این نریشن‌ها حجم کمتری از زمان سریال را به خود اختصاص می‌داد، ارتباط بهتر و کامل‌تری میان مخاطبان سریال با قصه و شخصیت‌های آن برقرار می‌شد. این‌چنین است نمایش پیامک‌های ارسالی شخصیت‌های سریال به یکدیگر که هرچند روش تازه دیگری را برپای بروز و ظهور افکار و عقاید شخصیت‌ها در اختیار کارگردان اثر قرار داده است، ولی موجب فاصله‌گذاری بیشتر میان فضای سریال با مخاطبی می‌شود که تمایل دارد قصه آن را به‌جای شنیدن و تعریف‌کردن، به زبان تصویر به نظاره بنشیند. سریالی که البته هنوز به نیمه‌راه نیز نرسیده و برای ارزیابی دقیق‌تر آن باید تا زمان پخش قسمت‌های پایانی صبور بود و منتظر ماند.

چالش معرفی رئیس «شورای صنفی نمایش» همچنان ادامه دارد و بعد از اظهارات محمدمهدی طباطبایی‌نژاد درباره آن جلسه پرحاشیه که در نهایت به انتخاب مرتضی شایسته به‌عنوان رئیس جدید منجر شد، با واکنش خانه سینما ادامه یافت. ۲۳ اردیبهشت، روابط عمومی «خانه سینما» بیانیه‌ای منتشر و در آن تأکید کرده است که «خانه سینما به‌زودی موضع خود را در قبال رویه‌های غیرصنفی و نامتعارف این جلسه اعلام خواهد کرد.» از فحواي دو واژه «غیرصنفی» و «نامتعارف» می‌توان دریافت که خانه سینما موافق خروجی آن جلسه نیست و در نهایت با اعتراض محسن امیریوسفی هم‌راستا است. شنیده‌ها حاکی از آن است که خانه سینمایی‌ها معتقدند آن جلسه، جلسه‌ای بود برای تقدیر و تشکر و نه جلسه رسمی برای معرفی رئیس جدید «شورای صنفی نمایش»! بااین‌حال باید منتظر واکنش دقیق‌تر خانه سینما ماند.

ظاهر امر بیانگر این است که شورای صنفی باید در خانه اصناف تشکیل شود. حتی در دوره ششم‌دردی، وقتی نماینده‌ای از سوی سازمان سینمایی معرفی می‌شد، به دلیل عدم همکاری صنوف در معرفی نماینده به دولت بود. بنابراین برخی‌ها معتقدند که چنین رویه‌ای از سوی سازمان سینمایی بی‌سابقه بوده است.

امیریوسفی هم در گفت‌وگویی با ایسنا معتقد است جلسه شورای صنفی نمایش برای برگزاری انتخابات مشروعیت نداشته است و سازمان سینمایی با دخالت مستقیم تلاش کرد شورای صنفی نمایش را دولتی کند.

او که تا پیش از این ریاست شورای صنفی نمایش را بر عهده داشت، معتقد است: «این انتخابات مشروعیت ندارد، چون نه نماینده جدید کانون کارگردانان در آن حضور داشت و نه نماینده واقعی شورای عالی تهیه‌کنندگان. این جلسه، جلسه حذف کانون کارگردانان، حذف شورای عالی تهیه‌کنندگان و حذف خانه سینما بود اما این اتفاق نشدنی است.» او در ادامه افزود: «برای تودیع و تقدیر از دو سال حضور در شورای صنفی نمایش به سازمان سینمایی دعوت شدم، وگرنه محل جلسات شورای صنفی در ساختمان خانه سینماست. هفته قبل گفتند همه اعضای شورا به‌اضافه آقای فرحبخش

حضور داشته باشند. به‌عنوان رئیس شورا متذکر شدم آقای فرحبخش از طرف شورای صیانت به خاطر اتفاقاتی که سال گذشته رخ داد، منع حضور در جلسات را دارند اما گفتند چون جلسه آخر و تقدیر است، دعوت شوند. من هم قبول کردم و خوشحال شدم که بعد از مدت‌ها می‌توانیم ایشان را ببینیم. وقتی به جلسه آمدم، فکر نمی‌کردم این جلسه از تقدیر و تودیع به تخریب و توهین تبدیل شود که در وزارت ارشاد انجام شد».

امیریوسفی دراین‌باره گفت: «این جلسه قرار بود آخرین جلسه شورای صنفی دوره ما باشد که به خاطر کرونا تعطیل شده بود و ما هم از طرف شورا همه اعضای قبلی را دعوت کردیم. به من اعلام کردند جلسه اول شورای صنفی جدید هم روز چهارشنبه با اعضای جدید برگزار می‌شود.

در جلسه دیروز درباره تغییرات پایانی اساسنامه و سامانه مدیریتی فروش اکسران هم صحبت‌هایی شد و اساساً این جلسه تودیع و تقدیر بود و رای‌گیری و حضور اعضای جدید در دستور کار این جلسه نبود. من درخواست دارم اگر دستور جلسه مکتوبی ابلاغ شده که در این جلسه قرار است رای‌گیری و حضور اعضا جدید در دستور کار این جلسه شود، منتشر کنند. بنابراین من با این تصور در جلسه حضور-ورایتم تا عضو جدید را برای جلسه اول شورای صنفی جدید معرفی کنم. ضمن اینکه به کانون کارگردانان هم اعلام نشده بود که عضو جدید

واکنش کوتاه «خانه سینما» به ماجرای انتخاب رئیس شورای صنفی نمایش

نامتعارف و غیرصنفی

فرانک آرتا



می‌بایست حضور داشته باشد! وقتی متوجه شدم قرار است بدون حضور چند عضو مؤثر انتخابات برگزار شود، متذکر شدم که نماینده کانون کارگردانان حضور ندارد و با توجه به عدم مشروعیت، جلسه را ترک کردم».

امیریوسفی درباره اظهارات محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی مبنی بر اینکه نامه معرفی رضا درمیشیان به‌عنوان نماینده کانون کارگردانان را در پایان جلسه گرفته و از آن مطلع شده است، گفت: «تکذیب می‌کنم و من وسط جلسه که صحبت از اعضای جدید شد، نامه کانون را نشان دادم و اعلام کردم که آقای درمیشیان به‌عنوان نماینده جدید کانون کارگردانان در جلسه چهارشنبه حضور خواهد داشت. امیدوارم آقای طباطبایی‌نژاد که ادعا می‌کنند فقط در پایان جلسه نامه و اسم نماینده جدید کانون را شنیده، به یاد بیاورد که قبل از انتخابات فرمایشی با شنیدن نام آقای درمیشیان گفتند ممکن است حضور آقای درمیشیان از سمت سازمان سینمایی تأیید نشود! البته من این تهدید را به شوخی گرفتم. پس این موضوع که آقای طباطبایی‌نژاد در پایان جلسه نام آقای درمیشیان را شنیدند، صحت ندارد. اما در کمال تعجب آقای طباطبایی‌نژاد بعد از شنیدن تغییر نماینده کانون و عدم حضورش، به یکباره گفتند انتخابات را شروع کنیم. آقای

«انحطاط مفهوم» در سینمای داستان زده – بخش پایانی

هیاهوی بسیار برای هیچ

مهیار جاویدی

از طریق تجربه ادراکی و احساسی است، امکان دسترسی می‌دهد. هنر تنها شیوه‌ای است که از طریق برانگیختن احساسات و عواطف، شرایطی برای تجربه حقایق و مفاهیم فراهم می‌کند. ازاین‌رو است که شاید بر دیگر فعالیت‌های فکری مزیت دارد. واضح است که هنر امروز اعم از موسیقی و ادبیات و نقاشی و سینما شرط مقدماتی خود را برانگیزانند مخاطب قرار داده و به بهانه ازدحام مفاهیم و اندیشه‌ها، شرط اصلی یعنی فرهنگ‌سازی را موکول کرده است. ویژگی بی‌خاصیتی فرهنگی یا حتی ضدفرهنگی این نگاه برانگیزاننده را زمانی درک می‌کنیم که با همین منطق که در آن برانگیختن احساسات و عواطف بر همه چیز اولویت دارد، به انواع فیلم‌ها نگاه کنیم. با این شیوه ارزش‌گذاری، فیلم‌های غیراخلاقی را می‌توان بسیار فیلم‌های کامل و خوبی دانست؛ چراکه شاید در مقیاس بیشتری برای



1999) Love و تهیه‌کنندگی فیلم‌هایی نظیر Call the Floorman (TV Series) (2010), Unconditional Love (1999), Hide Actor (1 credit), Extreme Honor (2001) را برعهده داشت. او نخستین ساخته خود را در ایران با نام «پل سیزدهم» ۲۰۰۶» تجربه کرد. غریب درباره این فیلم که درباره بچه‌های کار است در گفت‌وگویی گفت: «دوست داشتم درباره اوضاع و شرایط انسان‌ها

هنر

یادداشت

برای تولد استاد حسین محجوبی

تناقض دوست‌داشتنی



● **سیدمحمد طباطبانی***

● شاید ۳۰ سال قبل، کمتر با بیشتر، خیلی فرق نمی‌کند، نخستین مواجهه‌ام با یکی از مهم‌ترین آثار هنرمندی بود که نقاشی زنده طبیعت است؛ اثری که هر روز زیباتر می‌شود، هر روز آدم بیشتر دلش می‌خواهد برود تا عمق اثر و در آن زندگی کند، نفس بکشد و تازه شود. مگر می‌شود از ایران نام برد و اسمی از تهران نیاورد؟ مگر می‌شود از تهران یاد کرد و خیابان ولیعصر را پیش چشم تصویر نکرد؟ مگر می‌شود از خیابان ولیعصر اسم برد و از پارک ساعی و پارک ملت گفت؟ مگر می‌شود از پارک ساعی گفت و از حسین محجوبی و هنر تمام‌نشدنی‌اش نگفت؟ مگر می‌شود از هنر گفت و حسین محجوبی را بر صدر نشانند، در کنار بالانشینانی دیگر.

حسین محجوبی امروز در حالی به دهمین دهه عمر قدم می‌گذارد که او را می‌توان خالق هنر متفاوت دانست، ازآن‌رو که نگاهی به جهان پیرامون و اتفاقات آن متفاوت است. نگاهی فراتر از نگاه زیاشناسانه صرف به هنر. هنرمندی که هنوز و همچنان، همچون آغاز کار هنری، دغدغه‌مدانانه به خلق اثر می‌پردازد، دغدغه‌ای که می‌خواهد جهان جای بهتری برای زندگی باشد. دغدغه‌ای که به زمین احترام می‌گذارد و به آنها که طبیعت را محترم نمی‌شمارند معترض است.



بی‌شک اینکه او طراح دو عنوان از شناخته‌شده‌ترین، قدیمی‌ترین و زیباترین بوستان‌های شهر تهران است اتفاقی نیست، اتفاقی نیست که زیبایی بوستان‌های ساعی و ملت خیره‌کننده و نو به نو است؛ هر روز زیباتر، چنان‌که آثار حسین محجوبی این‌چنین است؛ زیبا، آرام و معترض؛ تناقضی دوست‌داشتنی.

حسین محجوبی در آثارش همچنان معترض است به تعرض انسان نسبت به طبیعت، اما این اعتراض هرگز موجب نشده تا ردی از خشونت در آثار او دیده شود، چراکه او عاشق است و همه‌چیز را در عشق جست‌وجو می‌کند.

و درخت، درخت که عصر همیشگی آثار اوست. درخت‌هایی که نباید لاغر و نحیف باشند، درخت‌هایی که ایستاده‌اند استوار تا هیچ انسانی نتواند به ریشه آنها دست‌اندازی کند.

آقای محجوبی عزیز از شما به‌خاطر ۷۰ سال عاشقی که حاصلش نقاشی‌هایی است زیبا، آرام، جسور و معترض سیاست‌گزاریم، ما با آثار شما زیبایی را شناختیم و از این بابت سپاسگزار شما هستیم.

●**مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت**

خبر

دستور وزیر ارشادبرای ارتقای ساختاری مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت

گروه هنر: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به درخواست هنرمندان پیش‌کسوت و پیشنهاد معاون امور هنری دستور به ارتقای ساختاری مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت داد، به گزارش روابطعمومی مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت، در پی درخواست هنرمندان عضو این مؤسسه، معاون امور هنری در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی انتقال مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت از زیرمجموعه معاونت هنری به زیرمجموعه وزیر را پیشنهاد داد که سیدعباس صالحی با این پیشنهاد موافقت کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به نامه معاون امور هنری ضمن تشکر از ارائه این پیشنهاد، دستور داد: «شایسته است با قید فوریت ضمن طرح موضوع در هیئت انمای مؤسسه و اقدام به اصلاح اساسنامه، برای تصویب آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام لازم صورت گیرد».

پیش از این سیدمجتبی حسینی، معاون امور هنری، در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با توجه به فراگیربودن عرصه‌ها و رشته‌های موضوع فعالیت مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت، نسبت به حوزه‌های زیرمجموعه معاونت امور هنری و خواسته هنرمندان مبنی‌بر ارتقای ساختاری مؤسسه پیشنهاد فوق را مطرح کرده بود. همچنین تعدادی از هنرمندان پیش‌کسوت در نشست هم‌اندیشی که چندی پیش برگزار شد، این درخواست را مطرح کرده بودند.

فرحبخش هم مُصر به انتخابات بودند. برای من سؤال بود وقتی نماینده جدید کانون کارگردانان و نماینده رسمی تهیه‌کنندگان حضور ندارند، چطور قرار است انتخابات انجام شود. آقای محمود رضوی هم که نماینده دوره قبل تهیه‌کنندگان بودند و مثل من برای تودیع حضور داشتند، اعلام کردند که شورای عالی تهیه‌کنندگان هنوز نماینده‌ای معرفی نکرده که آقای طباطبایی‌نژاد گفتند آقای فرحبخش نماینده تهیه‌کنندگان است». امیریوسفی ادامه داد: «آقای طباطبایی‌نژاد در مصاحبه‌شان صراحتاً اعلام کرده‌اند که آقای فرحبخش انتخاب خودشان به‌عنوان سازمان سینمایی است، خودشان یعنی دولت و این یعنی تعیین‌تکلیف و دخالت دولت برای صنف اما ای کاش جرئت می‌کردند و در جلسه دیروز هم صراحتاً می‌گفتند که آقای فرحبخش نماینده ایشان است، نه نماینده شورای عالی تهیه‌کنندگان».

در این بین برایم جالب است که آقای فرحبخش هم که همیشه خود را میرا از دولت و تهیه‌کننده‌ای خصوصی و به‌اصطلاح مستقل می‌داند، چطور حاضر شد که به‌عنوان فرد منتصب به وزارت ارشاد به شورای صنفی بیاید و عجیب‌تر آنکه انتخاب ایشان به این معناست که آقای طباطبایی‌نژاد رأی شورای صیانت خانه سینما درباره آقای فرحبخش را هم به یاد نمی‌آورد! جالب است که بعد از ترک جلسه، با آقای غلامرضا موسوی، رئیس شورای عالی تهیه‌کنندگان، صحبت کردم و به من گفتند که ما هنوز نماینده‌ای برای شورای عالی معرفی نکرده‌ایم». رئیس کانون کارگردانان اضافه کرد: «به‌این‌ترتیب، ضمن هشدار به غیرقانونی بودن، جلسه را به یاد نمی‌آورد! جالب است که بعد از ترک قانونی جدید کانون کارگردانان و نماینده اصیل و رسمی تهیه‌کنندگان در جلسه حضور نداشتند، کانون کارگردانان در هیچ شرایطی تن به انتخابات دولتی و مخدوش برای صنف نمی‌دهد. از طرفی من چگونه می‌توانم در انتخاباتی شرکت کنم که بنا بر تقاضای خودم نماینده کانون برای شورای صنفی نبستم و برخلاف ادعای آقای طباطبایی‌نژاد، پیش از آن نام نماینده جدید را هم به‌صراحت در جلسه اعلام کردم و ایشان موضع منفی گرفت. اصلاً مگر انتخابات فرمایشی شورای صنفی آن هم تحت نظر مدیر نظارت سینمایی می‌تواند انتخابات باشد؟!».

که این جریان غالب و عمومی سینماست، به ایجاد تعریفی از هنر برای مخاطبان عام هنر منجر می‌شود که کاملاً فیلم را پدیده‌ای تفتنی فرض می‌کند و ازاین‌رو هنر را تبدیل به پدیده‌ای بی‌مصرف و غالباً مضر می‌کند. این زنجیره‌ای است که امروز به طور متقابل باعث اضمحلال اندیشه و سلبیقه در سطح عمومی و بر نقطه مقابل افت شعور و شناخت در هنرمندان شده است.

با اینکه بدیهی است که برای گذر از این بن‌بست بی‌هویتی و بی‌معنایی در فرهنگ و هنر، تغییر رویکرد هم در تولیدکنندگان و هم در مصرف‌کنندگان آثار هنری لازم است؛ اما هنرمندان به‌عنوان نیروهای مولد فرهنگی جامعه نقشی زاینده و پیشرو دارند. آنها هستند که باید هنر را از شر میان‌مایگی و ابتذال مصون کنند و آن را به‌عنوان پدیده‌ای در راستای رشد و سعادت انسان اعتلا بخشند.

شیشه ماشینم را بشوید. رویم تأثیر گذاشت. بعد از اینکه این موضوع را برای چندتا از دوستانم در ایران تعریف کردم، آنها هم حمایت کردند و گفتند چقدر پول و انرژی بکناریم.

آقایان غلامرضا آزادی، مسعود اطیابی، علیرضا اله‌دادی، پارسا پیروزفر و دیگران کمک کردند. من واقعا مانده بودم که از این‌همه همکاری چه بگویم و خودم بریده بودم و بعد فهمیدم که توی DNA ماست».

فیلم «پل سیزدهم» درباره بچه‌های خیابان است که سرمایه‌گذار هم خودش بود و چهار سال وقت گذاشت تا این فیلم سینمایی را بسازد. فرهاد غریب در این فیلم با بازیگرانی مانند جمشید مشایخی، علیرضا اوسویوند، مجید صالحی و شراره رخام همکاری کرد.

او متولد ۱۷ مهر ۱۳۳۵ بود که مدت‌ها با بیماری دیابت دست‌وپنجه نرم کرد و به دلیل ضعف ایمنی بدن در نهایت بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. گفته می‌شود آن مرحوم در مدت کوتاهی که در ایران بود اعمال خیریه بسیاری انجام داد که در زمان حیاتش هیچ‌وقت تمایل به نمایش آن نداشت و مراکز خیریه و بهزیستی‌ها همیشه محل مراجعه و کمک‌های انسان‌دوستانه ایشان بود.